



نکاتی دربارهٔ
اسناد آق قویونلوها



نوشته

ژان اوبین — Jean — Aubin

ترجمه

سر هنگام یحییی شمپیدی



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نکاتی در باره

اسناد آق قویونلوها

تاریخ آق قویونلوها بیشتر با استفاده از جنبه‌های خارجی آن و یا بهره‌برداری از مدارك کمی که جدیداً از آرشیوها بدست آمده مورد مطالعه قرار گرفته است و به همین دلیل تاریخ سیاسی این سلسله تا بحال بطور دقیق و قطعی روشن نشده و نحوه اداری و تاسیسات داخلی کشور آنان تقریباً ناشناخته مانده است^۱. آق قویونلوها در مطالعات ما، از موقعیکه مینورسکی (Minorsky) با مہارت

۱- مقاله I. P. Petrushevskij بنام «Vnutrenjaja Politika Ahmeda Ak Koijunlu» در Izv. Azerb. FAN 1942/2 (انتشار مجدد در Sbornik Statei Po istoril Azerbaidjana)

در دسترس نمیباشد. میدانیم که احمد بتحریک رئیس روحانی خودسید نقطه‌چی بنام اصول اجتماعی اسلام دست به یک رشته اصلاحات مملکتی زد. اوسعی کرد که از مردمان کشورش در مقابل پرداختهای پول اجباری حمایت کند و خواست تا تأثیرات سیستم ترک و مغول سیورغال را که پادشاهان قرن پانزدهم و بخصوص پادشاه ما قبل او، رستم بیک از آن استفاده میکرد، از بین ببرد و نارضائی قدرتمندان دوران سلطنت او را به پایان برساند (مه تا دسامبر ۱۴۹۷).

واستادی بسیار راه را برای مطالعه در احوال این سلسله، بطریقی که با عقاید معموله فرق داشته، گشوده است، ابتدا از نظر تاریخ تشکیل این سلسله و سپس از میزان خزائن آن مورد بررسی قرار گرفته است.

منابع نقلی که تا بحال بسیاری از آنها بچاپ نرسیده است، ما را در راه آشنائی بیشتر با این دوره مهم یاری میکند.^۲ وضع فعلی تمام کتابهایی که درباره این موضوع نوشته شده نمایانگر شرایط کار و تزاید موجودی آرشیوها در ممالکی است که تاریخ آق قویونلوها متعلق به گذشته آنها میباشد، که تقریباً آسیای صغیر و در نتیجه آذربایجان را در بر میگیرد.

همچنین در مورد استانهای ایران نیز امکان دارد که ثبت وقایع را بامدارک سیاسی تازمان دوری، چون قرن پانزدهم تطبیق دهیم. همکاریهای جدید ایرانیان نشان دهنده علاقه تازه و پرمثری است که معلول استفاده از چنین متن هائی میباشد. اسنادی که به آنها اشاره خواهیم کرد با دقت و حوصله بسیار بوسیله آقای حسین شمشهانی* جمع آوری شده است این مجموعه که به شهر اصفهان و قسمت دیگری از آن بشهر قم ارتباط پیدا میکند^۳ در موزه بریتانیا (نسخ شرقی شماره ۴/۹۳۴: مراجعه شود به ضمیمه فارسی فهرست ریو Rieu در صفحه ۲۵۴) نگاهداری میشود و قرار است بوسیله آقای هری- برت بوس Heribert Busse (در مایانس Mayence) برای چاپ آماده شود. مطالعه مشخصات سیاسی اسناد و استفاده از آنها برای کمک بدارک

۲- رجوع شود به: AK Koyunlular نوشته: Mukrimin Halil yinanc

در دایرةالمعارف اسلامی جلد اول صفحه های ۲۵۱ تا ۲۷۰
* آقای حسین شمشهانی چند سال قبل فوت نموده اند. مترجم

۳- اطلاعی در مورد محتویات آرشیوهای حرم قم نداریم.

اصطلاحات اداری آن زمان با ناشران این دو مجموعه خواهد بود^۴ تا حدی که بما مربوط میشود بمنظور معرفی و بررسی اسناد فقط چند تذکر موقتی در باره تاریخ اجتماعی ضمیمه خواهد شد.^۵

۴- مهرهای متعدد نشانه‌هایی خواهد بود برای پیدا کردن مشخصات کارمندان دیوانی. در اسناد مربوط به یعقوب بیک، به مهر وزیر معروف عیسی بن شکرالله ساوجی بر میخوریم که بر آن (مراجعه شود به «مجالس النفاثین» چاپ حکمت صفحه‌های ۲۹۳ تا ۲۹۵ و «حبیب السیر» منتشر شده در بمبئی جلد ۴ صفحه ۱۵) چنین خوانده میشود: اطلمت علیه وانا الشاکر لنعمة الله الضعیف عیسی شکرالله. مهرهای شکرالله و علی بن شکرالله و محمود بن شکرالله را نیز می‌شناسیم. مهر یعقوب بیک توسط فسائی بایک اشتباه خوانده شده: ان الله یامر بالعدل والاحسان یعقوب (العبد یعقوب: فارسنامه ناصری جلد اول صفحه ۸۱) ابن حسن ابن علی ابن عثمان. یعقوب بیک در آغاز سلطنتش از مهر کوچکتری استفاده میکرد.

۵- تحقیق فعلی اولین تحقیق نگارنده است از سلسله تحقیقاتی که «شرحی بر اسناد تاریخی ایران» (Archives Persanes Commentées) نامیده میشود. علامات اختصاری زیر در این مقاله بکار برده خواهند شد:

قم = Q اصفهان = I ، QG = جهانشاه قره قویونلو ۲۷ جمادی-
 الاول ۸۶۷ مطابق با ۱۷ فوریه ۱۴۶۳ = Qy یعقوب بیک آق قویونلو ۱۵ رمضان
 ۸۸۴ مطابق با ۳۰ نوامبر ۱۴۷۹ = QUy = سند ناپدید شده اوزون حسن که شمشه‌ای
 از آن در Qy آمده ، QA = الوند بیک آق قویونلو، ۱۴ رجب ۹۰۴ مطابق با ۲۵ فوریه
 ۱۴۹۹ ، IM = اهدای وقف سلطان محمد بایسنقر ، تیموری ۱۲ ربیع الثانی
 ۸۵۲ مطابق با ۱۶ مه ۱۴۴۸ ، iy = یعقوب بیک آق قویونلو
 ۵ ربیع الثانی ۸۸۴ مطابق با ۲۶ ژوئن ۱۴۷۹ ، ir = محاکمه بین متولی وقف
 مورد بحث و رستم بیک آق قویونلو بتاريخ ۱۰ شعبان ۹۰۰ مطابق با ۶ مه ۱۴۹۵ ،
 IR = رستم بیک، اول رمضان ۹۰۰ مطابق با ۲۶ مه ۱۴۹۵ ، DY =
 یعقوب بیک ، ۳ جمادی الثانی ۸۸۳ مطابق با اول سپتامبر ۱۴۷۸ ، مدرک متعلق به
 آقای دانیالی ، خنج مراجعه شود به مقاله فرمان کازرونی در فارس در نیمه اول
 قرن چهاردهم در مجله آسیائی ۱۹۵۶ . سه سند دیگر هم مربوط به سلسله
 آق قویونلو در ایران پیدا شده‌اند :

اول سندی از اوزون حسن بتاريخ ۴ ذوالقعدة ۸۷۵ مطابق ۲۴ آوریل ۱۴۷۱ ،
 مراجعه شود به «آثار ایران» شماره ۲ سال ۳ صفحه‌های ۲۰۳ تا ۲۰۶ .

آقای محمد شفیع جهانشاهی رئیس دیوان عالی تمیز که امروزه در قید حیات نیست، اجازه دادند تا فرمانی را که توسط جهانشاه پادشاه قره قویونلو به نقیب السادات قم داده شده بود و در اختیار ایشان قرار داشت، چاپ نمایم.

این فرمان که مشتمل بر ۴۲ سطر است چنین صادر گردیده*:

(۱) بالقدرة الكاملة الاحدية (۲) والقوة الشاملة الاحمدية (۳)

دوم سندی است از یعقوب بیك ۷ ذوالقعدة ۸۹۳ مطابق ۱۳ اکتبر ۱۴۸۸، مراجعه شود به «فارس نامه ناصری» جلد ۱ صفحه‌های ۸۱ تا ۸۳ و مینورسکی Bsos شماره ۹ صفحه‌های ۹۵۲ تا ۹۵۶

سوم سندی است از الوندیك بتاريخ ۹۰۴ هجری مطابق با ۹۹-۱۴۹۸ مراجعه شود به کتاب (مالك وزارع در ایران) نوشته لامبتون صفحه‌های ۱۰۲ و ۱۰۳ *

متن فرمان در شماره ۳ سال پنجم مجله بررسیهای تاریخی از آقای دکتر همایون فرخ چاپ شده است.

۶- سه خط اول به ثلث (Fac - Similé) در صفحه ۴۴۰ کتاب « از سعدی تا جامی » علی اصغر حکمت که مطابق است با تاریخ ادبیات ایران ادوارد براون جلد ۳ با پاورقی هائی از مترجم (نوشته شده‌اند و خطوط دیگر به تعلیق Taliq میباشند. مدرک مربوط به جهانشاه قره قویونلو، خطوط ۱-۲ را بامدرک مربوط به یعقوب بیك خطوط ۱-۳ مقایسه کنید: ۱- بالامرالله والهنفقه ۲- المعجزات المحمدیه والدوله البایندریه ۳- بالقوة الاحديه والعناية الصمدیه و همچنین بامدرک مربوط به یعقوب بیك خط ۲ سیورغال حاجی حیرائی مقایسه کنید. مراجعه شود به «Documenta Islamica Inedita» (مدارک اسلامی که تا بحال بیچاپ نرسیده‌اند) نوشته هینز چاپ برلن ۱۹۵۲ صفحه ۲۱۳ مدارک دیگری را که توانسته‌ایم مطالعه کنیم چنین روشی را بکار نبرده‌اند، درست در بالای سند الوندیك و سند رستم بیك «هو الغنی» و همچنین در مدرک اوزون حسن که توسط آقای خان ملك در (آثار ایران) چاپ شده است دیده میشود (و در چاپ مجدد دیده نمیشود)، عبارات مشابهی در سایر مدارک وجود دارد، رجوع شود به «Lusco - Iranica» شماره ۱، فقدان این نوع عبارات در روی مدارک دیگر آق قویونلوها در نتیجه پارگی است که در قسمت بالای آنها ایجاد گردیده است.

فرمان جهانشاه آق قویونلو تمغا ندارد، در مورد تمغای آق قویونلو مراجعه شود به Bsos، شماره ۹ صفحه‌های ۹۴۲ و ۹۴۳ سند جهان شاه قراقویونلو شماره ۳: (سوزومیز) Sözüimiz مطابق است با اوج مانو Ügemanu در اسناد مغول، فرمانهای ایرانی ایلخانیان از رسوم قبلی پیروی میکنند (مراجعه شود به یرلیغهای غازان در رشیدالدین، از انتشارات جهان) در مورد کلمه یرلیغیتدان مراجعه شود به «تاریخ الجایتو» کاشانی پاریس و «مجله دانشکده

ابوالمظفر جهان‌شاه جادر سوزومیز (۴) بر مقتضی کلام ربانی و تنزیل سبحانی عزوجل حیث قال (۵) «قل لا اسئلكم عليه اجراً الا المودة فی القربی» و فحوی حدیث (۶) سیدرسل و هادی سبیل «ترکت فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» تعظیم و اکرام و توقیر و احترام سادات (۷) عظام که نور حدقه «لولاک» و نور حدیقه «وما ارسلناک» اند موجب فوز و نجات دارین (۸) و سبب رفع درجات منزلت تو اند بود خاصه نسبت به طائفه که صیت طهارت نسب ایشان (۹) در اقطار و اکناف بل من القاف الی القاف چون نورخورشید عالم‌گیر و در بسیط غیراورد زبان (۱۰)

ادبیات تبریز، شماره ۵ سال ۱۳۶۱ (نخجوانی)، کلمه (سوزومیز Sözumiz در ایران توسط تیمور مرسوم شد، و در اسنادی که مربوط به شاهرخ، بابر، ابوسعید میباشند یافت میشود نسخ B.N. پاریس، ضمیمه فارسی سال ۱۸۱۵)، فسائی، فارسنامه ناصری گفتار ۱ صفحه ۸۱ ضمیمه فهرست فارسی ریو صفحه‌های ۲۵۴ و ۲۵۵ آنرا «سوزو» خوانده‌اند: (میرابوالمظفر یعقوب بهادر سوزو) در فارسنامه ناصری در حقیقت سوزو (Suru) نوشته شده و ریونیز آنرا در فرمان الوندبیک آق‌قویونلو سوزو میخواند) اما فرمانهای یعقوب بیک بتاريخ ۳ جمادی‌الثانی ۸۸۳ و فرمان وی بتاريخ ۵ ربیع‌الثانی ۸۸۴ نشان میدهد که یعقوب بیک کلمه متداول را همیشه بیک طریق بکار برده و بررسی فرمان یعقوب بیک بتاريخ ۱۵ رمضان ۸۸۴ و فرمان الوند بیک آق‌قویونلو ثابت میکند که ریو اشتباه کرده است. کلمه مزبور بر روی اسناد شاه اسماعیل و شاه طهماسب نیز یافت میشود. مهر جهان‌شاه توسط آقای حکمت خوانده شده همان مدرک صفحه ۴۴۰ پاورقی شماره ۱: من عدل ملک [جهان‌شاه] من ظلم هلك. آقای حکمت تقریباً چندین کلمه در متن فرمان را آورده است.

خط ۵: آیه‌ای است از قرآن مجید ۲۳/۴۲ (الی: جهان‌شاه قراقویونلو):
سطر ۱۱ کلمه عنادل، نویسنده اول الف نوشته و سپس یک ع بر روی آن اضافه نموده است، خط ۲۰ فرمان.

نگارنده هم مانند آقای حکمت اینرا اینطور میخواند اما نوشته کاملاً واضح نیست و نویسنده سند اوزون حسن که سند را مجدداً نوشته آنرا «نشان» خوانده، فرمان گم شده اوزون حسن، ۱۶ در سطر ۲۳: کلمه سمی، کسی که فرمان گمشده اوزون حسن (سطر ۱۸) را دوباره نوشته این لغت را سستی خوانده و شاید بدون شك از لغت عامیانه استفاده کرده است.

صغیر و کبیر است و صحت انتساب سادات رضویه با حضرت سید کونین و خواجه ثقلین محمد الامی العربی الهاشمی (۱۱) الا بطحی علیه من الصلوة افضلها ومن التحیه اکملها «ما خطب عنادل* الا خطاب علی رؤس (۱۲) منا بر الاشجار وضحك من بکاء السحاب مبامم الانوار والازهار» از غایت ظهور و وضوح از شرح (۱۳) مستغنی است هر آینه در اعلاء منزلت و ارتقاء مرتبت و اسعاف مطالب و انجاش مآرب این (۱۴) خانواده مبارک بر وجهی التفات باید نمود که شایسته دولت قاهره باشد و لله الحمد والمنة (۱۵) که از ابتداء طلوع آفتاب جهانگشائی و ظهور تباشیر صبح فرمان روانی که مفاتیح ابواب (۱۶) خیر و شر و مقالید امور نفع و ضرر بقبضه اقتدار ما باز داده اند دقایق اعزاز و احترام ایشان (۱۷) مهمل نگذاشته ایم و همت بر حصول مقاصدشان مصروف داشته مقصود از ترتیب این مقدمات (۱۸) و غرض از ترکیب چنین کلمات آنکه جناب سیادت مآب نقابت مناب مرتضی اعظم اکرم ملک السادات (۱۹) والنقبا اعتضاد آل عبا سلیل الامام علی بن موسی رضا علیه السلام السید الامجد نظام الملة والدين احمد (۲۰) ادام الله تعالی نقابته و سیادته احکام سلاطین ماضیه خصوصاً خاقان سعید شاه رخ میرزا که بامضا فرمان* (۲۱) سلطان مرحوم میرور امیر تیمور کورکان انار الله مرقدهما نافذ شد مشتمل بر آنکه از قدیم الایام الی یومنا هذا منصب (۲۲) نقابت و تقدم سادات و تولیت اوقاف و روضه منوره و تربت مقدسه امامزاده معصوم بنت الامام (۲۳) سمی* فاطمه علیها و علی ابائهما التحیه والسلام بآباء عظام واجداد کرام جناب مشارالیه بلامداخلت (۲۴) و مشارکت غیر مفوض بوده و هر یک از از ایشان که بر مصدوق «کل شیئی هالک الا وجهه*» (۲۵) بجوار رحمت

حق پیوسته‌اند نوبت تقلدات شغل عظیم ایشان با اولادشان بلا مشارکت منتهی شده (۲۶) بعرض همایون رسانید و التماس امضاء کرد چون استحقاق و استئمال جناب مومی‌الیه اظهر من الشمس (۲۷) و این من‌الامس است ملتمس او مبدول داشته بمقتضی «ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها*» (۲۸) رجوع این امر خطیر بلا مشارکت غیری بدو تفویض فرمودیم و برو ارزانی داشتیم تا چنانچه از قمط و شرط (۲۹) پرهیزگاری او سزد بوظایف این کماینبغی قیام نموده محصول موقوفات را بموجب شرع (۳۰) و شروط و اقفین بمصرف و خوب رساند و رقبات را معمور داشته در رواج و رونق این بقعه عالیّه غایت اجتهاد (۳۱) بتقدیم رساند فرزندان کامکار نصرت شعار ابقاهم الله تعالی و امراء نامدار و وزراء رفیع مقدار (۳۲) و سادات و حکام و قضاة و متصدیان اعمال و اکابر و اصول و صواحب صدور و سکان و طان (۳۳) بلدة المؤمنین قم مع التوابع و اللواحق باید که مرتضی اعظم مشارالیه را متصدی مناصب مذکوره دانسته شرایط اجلال (۳۴) و اکرام بجای آورند و در امری که سبب انتظام و رونق روضه معطره مذکوره باشد لوازم امداد مرعی دارند (۳۵) و از صواب دید او که در باب رواج و ضبط امور و اعمال روضه منوره مذکوره گردد بیرون نروند و عزل و نصب (۳۶) خادمان و مشرفان و مجاوران مشهد معطره مذکوره برای او متعلق شناسند و در تحقیق انساب سادات که بعهده اوست معاونت (۳۷) و همراهی لازم دانسته مجال حمایت هیچ آفریده ندهند و پیرشش و قطع و فصل معاملات شرعی و عرفی سادات بدو مفوض شمرند (۳۸) مرتضی مشارالیه نیز باید که در تعلیم سادات علی اختلاف مراتبهم بواجبی بکوشد و حصه هر یک را از نذورات و اوقاف بدستور سابق (۳۹) و شرط واقف بدهد و معاش بنوعی نماید که «یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم»

مرضی و مشکور (۴۰) باشد و چون حسب المسطور بدین مهمات اقدام نماید حق النقابة والرسم التولية بدستور معیار سابق تصرف نماید (۴۱) و زیاده توقع نکند تقصیر ننمایند و چون بتوقیع اشرف موشح گردد اعتماد کنند تحریراً فی

(۴۲) سابع عشرین جمادی الاولی سنة سبع وستین و ثمانمائه

(حاشیه:).... برساله (؟) بنده درگاه قاسم پروانچی

طبق این سند، اجداد سید نظام الدین احمد که از بازماندگان حضرت امام رضا (ع) بوده اند مقام نقیب الساداتی (بزرگ سیدها) و متولی موقوفه آستان حضرت معصومه فاطمه بنت الموسی این امام جعفر را داشته اند و در این دو مقام نه شریکی داشتند و نه مقامات دولتی در کار آنها مداخله میکرده اند.

با این فرمان، فرمانهای پادشاهان دوران گذشته و علی الخصوص فرمانی از تیمور و دیگری از شاهرخ مؤید این مدعاست. از طرز ادای مطلب چنین استنباط میشود که سید بغیر از فرمانهای پادشاهان پیشین و یا حتی فرمان تیمور، فقط فرمان شاهرخ را در دست داشته است.^۷

سید نظام الدین توانست رسم و اگذاری این وظایف را از نسلی به نسل دیگری بنفع خود نیز بدست آورد. در مقام متولی همکاری کلیه مخدومین آستان امامزاده به او تفویض شده بود. در مقام نقیب الساداتی، سیدهای (رضویها) شهر قم و توابع آن زیر سلطه

۷- در فرمان جهانشاه قره قویونلو سطر ۲۰ عبارت «که بامضاء فرمان» همان وضع «نشان» را در فرمان الوندیك آق قویونلو دارد، فرمان او زون حسن فرمانهای تیمور شاهرخ و جهانشاه را تأیید میکند. و همچنین در فرمان یعقوب بیك آق قویونلو، مراجعه شود به صفحه ۲۳ پاورقی شماره ۱ محتملاً به دلایل احتیاطی بوده است که آخرین مدرک از مدارک موجود ارائه داده شده.

او بودند. در مورد کارهای مربوط به مسائل و قوانین شرعی و عرفی (سطر ۳۷ معاملات شرعی و عرفی) عوامل دولت موظف به کمک و همکاری با او بودند و بالاخره نقیب‌السادات مأمور نظارت بر نسب سیدها بوده است. در آغاز این سند (از سطر ۱ تا ۱۴) لزوم رعایت احترام به اولادان پیغمبر ذکر گردیده است، پی بردن به اظهارات دروغین عده‌ای مبنی بر اینکه اولادان پیغمبر میباشند و سید هستند دارای اهمیت است زیرا صاحب چنین مقامی دارای امتیازات سیاسی قابل توجهی بخصوص در مورد معافیت‌های مالیاتی بود.

در این مورد بخصوص سند ماگویا نیست. (رجوع شود به سطر ۴۰ حق‌التقابه و رسم‌التولیه) بتاريخ ۲۷ جمادی‌الاول ۸۶۷ مطابق با ۱۷ فوریه ۱۴۶۳ میتوان نتیجه گرفت فرمانی که توسط شاه‌رخ به پدر سید اعطا گردیده بود زمانیکه عراق ایران از زیر تسلط تیموریان خارج شد و به تصرف جهان‌شاه درآمد احتیاج به تأیید مجدد نداشت (۱۴۵۲).

اما این امکان وجود دارد که حکم انتصاب نظام‌الدین مانند حکم انتصاب پدرش بوسیله اسناد دیگری شامل مزایائی که به سیدهای رضوی قم اعطا میشده است، کامل شده باشد.

در نشانیکه توسط اوزون‌حسن آق‌قویونلو به نظام‌الدین احمد داده شده اشاراتی به این اسناد شده است.

ما نشان (فرمان) اوزون‌حسن را در دست نداریم* اما متن کامل آن بهمان طریق اصلی در فرمان پسرش یعقوب بیگ به تاریخ ۱۵ رمضان ۸۸۴ مطابق با ۳۰ نوامبر ۱۴۷۹ در محل قم آمده است.^۸

* تا آنجا که مترجم آگاهی دارد این فرمان هم‌اکنون در قم موجود است و متن آن در مجله هیجدهم «فرهنگ ایران زمین» به چاپ رسیده.
۸- نسخ شرقی ۴۹۳۴ یعقوب بیگ فوراً تمام مزایائی را که پدرش اعطا کرده بود، تأیید کرد. «لب‌التواریخ» چاپ تهران صفحه ۲۲۲.

يعقوب بيك ميگويد فرمانی را که توسط پدرش اعطا شده بود نزد او آورده اند و محتوای آنرا شرح میدهد.^۹ متن آن کاملاً کلمه به کلمه، بجز در سه مورد زیر، مانند فرمان جهانشاه است (سند اوزون حسن سطر ۴ تا ۲۹، مطابق با فرمان جهانشاه قره قویونلو ۴ تا ۳۸).

۱- فرمان بنام دو نضر صادر گردیده است، یکی بنام سید نظام الدین سلطان احمد که قبلاً شرح او گذشت و دیگری بنام سید کمال الدین عطاء الله. نسبت این دو سید بایکدیگر مشخص نشده است. اصطلاح «بدون دخالت و یا شراکت» (سند جهانشاه قره قویونلو سطر ۳۵) در فرمان اوزون حسن ذکر نگردیده است.

۲- اوزون حسن بتعداد فرمانهای شاهرخ و جهانشاه میرزا اشاره میکند (خط ۱۷).

۳- اوزون حسن میگوید این فرامین که بطور موروثی به فامیل این دو سید داده میشد وظایف زیر را به آنها محول میکرد.

الف- نقیب السادات بـ متولی موقوفه آستان امامزاده معصومه ستی فاطمه و امامزاده طاهر علی ابن محمد الباقر ج- خطیب متولی و امام مسجد امام حسن عسکری^{۱۰}.

سپس بطور توالی مزایای مالیاتی را (سند ۲ سطر ۲۹ تا ۳۴) این

۹- سند ۲ سطر ۴۳ و در این وقت نشان حضرت خاقانی فردوس مکانی بك بابام بعز عرض رسید مضمون بر آنکه اصطلاح بك بابام در سند يعقوب بيك ج ۲/۸۸۳ سطر ۱۱ و در يعقوب بيك آق قویونلو .

۱۰- سند ۲ سطر ۱۸ تا ۲۰: منصب نقابت و تقدم سادات وتوليت اوقاف مزار متبرکه امامزاده معصومه ستی فاطمه و مزار متبرکه امامزاده طاهر علی بن محمد الباقر

باباء عظام و اجداد گرام مرتضیان مشارالیهما متعلق بوده و خطابت و تولیت و امامت مسجد امام حسن عسکری . . بدیشان تعلق گرفته است .

مزایا در فرمان جهان‌شاه قره‌قویونلو یافت نمی‌شود اما اوزون‌حسن گاهی آنها را تکرار می‌نماید و می‌نویسد (با دستوری که در فرامین سلاطین مذکور مسطور است) : معافیت از مالیاتهای معمولی و غیر معمولی مانند (مال و اخراجات و حقوق دیوانی) همچنین از بعضی مالیاتهایی که بطور مشخص نام برده شده است (قیچور ، تمغا ، مراعی ، مواشی و امیرایی)

این تصمیم‌ها از طرفی مربوط می‌شود به اوقاف دو آستان (مشهدین) و از طرف دیگر به دارائی منقول و غیر منقول (املاک و اسباب). دوسید نامبرده و سیدهای رضوی دیگر و کسانی که در خدمت آستانها بوده‌اند (مجاوران مزارات) و منظور املاکی است که در خود شهر و یا در ولایات قم قرار گرفته است و فرقی نمی‌کند که این املاک موروثی باشد یا بدست آورده خود آنها. نباید به افراد نظامی با اسلحه اجازه دخول به خانقاه ایشان داده شود و نه حیوانات باربر (الاع) آنان را ضبط کرد و یا بستگانشان را (متعلقان) توقیف نمود و نه رعیت‌های آنها را به بیگاری و یا بشکار وادار کرد .

فرمان بانصایح معموله در مورد رعایت احترام به صاحبان فرمان ادامه می‌یابد .

تکرار فرمان توسط اوزون‌حسن در سطر ۳۶ خاتمه پیدا میکند یعنی تا جائیکه یعقوب بیک اعلام میکند با درخواست دوسید موافقت کرده و فرمان‌های اسبق را تأیید نموده است و تأکید میکند که هیچ توقعی از منتفعین نباید داشت (رسم‌الصداره ، کالای ابتیاعی ، توجیهات ، تخصیصات) فرمان یعقوب بیک دارای تبصره‌ای است که موارد زیادی تکرار می‌شود و شرح آن چنین است : عوامل حکومت نباید از منتفعین انتظار تجدید سالیانه فرمان را داشته باشند البته امکان دارد که بعضی مزایا بطور موقتی اعطا شده باشد اما از

تبصره فوق میتوان چنین نتیجه گرفت که تجدید فرمان بیشتر توسط مودیان مالیاتی برای بدست آوردن راه در آمد بیشتری عنوان میشده است .

شاهزاده جوان الوندبیک نیز بانایب السلطنه اش آیبه سلطان در سال ۱۴۹۸ تا ۹۹ حقوق سیدها را تأیید کرد. تاریخ این مدرک (موزه بریتانیا ردیف ۴/۹۳۴) ۱۴ رجب ۹۰۴ مطابق با ۲۵ فوریه ۱۴۹۹ است که در مقدمه آن می نویسد: احترام گذاشتن به سیدها و وظیفه (لوازم) پادشاهان است (سند ۲ سطر ۳ و ۴)، القابی که به نظام الدین سلطان احمد اعطا شده بود (سند ۲ سطر ۷ تا ۱۰) از سال ۸۶۷ هـ ق مطابق با سال ۱۴۶۳ بسیار طولتر شده است. الوندبیک یادآور میشود، احکامی بنفع سیدها توسط پادشاهان قبل از او و بخصوص از پدر بزرگش اوزون حسن صادر شده (حضرت خاقانی فردوس مکانی جد صاحب قرانی) و در آنها اقدامات تیمور، شاه رخ و جهان شاه تأیید گردیده است. این مدرک بطور اختصار تصمیماتی را که اوزون حسن به نفع سید نظام الدین سلطان احمد و سید کمال الدین عطاء الله گرفته بود (در مورد مشاغل آنها فرمان الوندبیک آق قویونلو سطرهای ۱۲ تا ۱۴ مطابق با فرمان ناپدید شده اوزون حسن که قسمتی از آن در فرمان یعقوب بیک آق قویونلو آمده است. سطرهای ۱۷ تا ۲۰. در مورد مزایای مالیاتی آنها: فرمان الوندبیک آق قویونلو سطرهای ۱۵ تا ۲۵ = با فرمان اوزون حسن سطرهای ۲۳ تا ۳۵ و سطرهای ۲۴ تا ۲۵ و فرمان الوندبیک، و همچنین فرمان اوزون حسن را که در ضمن تأیید میکرده که نمی بایستی هر ساله فرمان جدیدی از آنها بخواهند) بیان مینماید. بالاخره اشاره به مرک کمال الدین میکند در اینجا لازم به یادآوری است که هیچ اشاره ای بفرمان یعقوب بیک نشده و ممکن است دلیل آن این باشد که چون الوندبیک بنا پسر عمش سلطان مراد پسر یعقوب بیک

در جنگ بوده تصمیسات یعقوب بیك را بحساب نیاورده است. از طرف دیگر (سند ۱ سطر ۳۲) به حکمی از رستم بیك که فرمان اوزون حسن را تجدید میکند (حضرت خاقانی فردوس مکانی) و مزایای مالیاتی را به نظام الدین احمد اعطا مینماید، اشاره ای شده است.

چون کمال الدین عطاء الله هنگام مرگ فرزندی نداشت، نظام - الدین سلطان احمد که پیر شده بود درخواست کرد که مقام نقیب الساداتی و متولی بقعه سیتی فاطمه به پسرش سید مرشد الدین رشید الاسلام واگذار گردد. الوند بیك با تقاضای نامبرده موافقت کرد و مزایای شاغل جدید را معین نمود. مزایائی را که بموجب حکم رستم بیك به پدرش محول شده بود، با و تفویض گردید. اصطلاح « بدون دخالت یا شراکت » که در فرمان جهان شاه قره قویونلو نوشته شده در حکم الوند بیك نیز بچشم میخورد. مشاغلی که در سال ۹۰۴ مطابق با سال ۱۴۹۹ میلادی به رشید الاسلام محول میگردد همانهایی هستند که نظام الدین در سال ۸۶۷ هجری مطابق با ۱۴۶۳ م و وظایف دیگری که فقط در فرمان اوزون حسن و یعقوب بیك ذکر شده بود، به کمال - الدین سرسلسله شاخه دیگری از خاندان سیدهای رضوی قم اختصاص داشته است که فرزند کوچکتر نظام الدین است. در فرمان الوند بیك آق قویونلو به جانشین کمال الدین، اشاره ای نمی کند. این وظیفه بعدها به رشید الاسلام محول گردید و فرمان شاه اسماعیل (نسخ شرقی ردیف ۹۳۴/۴ مورخه ۱ جمادی الاول ۹۱۸ مطابق ۱۴ اوت ۱۵۱۲ -

میلادی آنرا تأیید کرد و وظایف آنان را تعیین نمود.

سید سلطان محمود شجاع‌الدین رضوی بموجب فرمان شاه طهماسب بتاريخ ۱۸ جمادی الاول ۹۴۸ مطابق با ۹ سپتامبر ۱۵۴۱ جانشین پدرش، سید رشیدالاسلام شد.^{۱۱}

به این طریق ما از تیمور لنگک گرفته تا شاه طهماسب، صاحبان مقام يك خاندان بزرگ شیعه را دنبال میکنیم. نوع مزایائی که چنین شخصیت‌هایی از آنها بهره‌مند میشدند توسط متخصصین بطور کامل مشخص گردیده است (علی‌الخصوص I. P. Petruševskij در مورد ایران شرقی ادامه مشاغل بامشاهده رونوشت‌های اسناد تیموریان که در مجموعه‌ای از (شیوخ جام وغیره) نوشته‌ها ثبت شده است، تأیید میگردد. از مدارک مربوط به قم اینطور استنباط میشود که این بقایا باعوض شدن سلسله‌ها قطع نمی‌شده است. سئوالی که پیش می‌آید این است که عکس‌العمل سلسله‌های ترکمان در مقابل پیشرفت شیعه چه میتواند باشد. در این مورد فقط مواردی جزئی و استثنائی وجود دارد و میباید قبل از اخذ يك قضاوت کلی صبر کنیم تا هر کدام از این موارد کاملاً روشن گردد، قدرتهای پراکنده شیعه وجود داشت و سلاطین بامید اینکه بتوانند این قدرتها

۱۱- موزه بریتانیا نسخ شرقی ردیف ۴۹۳۵ ضمیمه فارسی فهرست ریو صفحه ۲۵۵. طبق راهنمای قم ۱۳۱۷ برابر با ۱۹۳۸ صفحه ۱۰۵ و انجم فروزان قم ۱۳۲۲ صفحه ۱۰۴۳. شاه طهماسب میرزا حبیب‌الله بن میرسید حسین‌العاملی رامتولی نامید و بازماندگانش هنوز این مقام را دارند، اشخاص چندی از این خانواده در قرن شانزدهم تولیت معابد شیعه (قم، اردبیل، شاه چراغ در شیراز، شاه عبدالعظیم و ماهان) را بخود اختصاص داده بودند و این وضع تا قرن بیستم ادامه داشت (انجم فروزان صفحات ۱۴۳ و ۱۴۴) با وجود این مراجعه شود به نسخ شرقی ردیف ۵/۴۹۳۵ ضمیمه فارسی فهرست ریو صفحه ۲۵۵ و دلایل دیگری نیز وجود دارد.

را متمرکز ساخته جهت جریان آنرا نیز خود معین نمایند، هیچوقت با آن درگیر نمی‌شدند مگر اینکه این قدرت برای آنها تولیدخطراتی می‌نمود. برای قره‌قویونلوها و یا آق‌قویونلوها مخالفت و یا موافقت با شیعه مسئله‌ای را ایجاد نمی‌کرد، بلکه سعی میکردند سیاستی را اتخاذ نمایند که بوسیله آن بتوانند از حمایت همگان برخوردار شوند. جهان‌شاه قره‌قویونلو که شورش حروفی تبریز را فرو نشاند و شیخ جنید صفوی را از کشور خویش براند بنظر میرسد که سعی کرده است نوعی رسمیت به مذهب شیعه بدهد^{۱۲}. اوزون‌حسن از سیاستی فرصت طلبانه پیروی میکرد و جانشینان او نیز همین روش را تا زمان ضعف سلسله خود، دنبال کردند. شاه نعمت‌الله دوم تنها نگرانش بعزت پنهان نمودن گنجهای پدر زنش جهان‌شاه در خانقاه خود بود که مبادا مورد سوءظن قرار گیرد^{۱۳}.

اوزون‌حسن خواهرزاده خود شیخ‌حیدر را بریاست فرقه صفوی گماشت، و دختر خود را به عقد او در آورد. سیدها و شیخ‌ها در غنائم لشگرکشی به گرجستان در سال ۸۸۱ مطابق با سال ۱۴۷۶ شریک بودند،^{۱۴} اما رفته رفته ادعاهای روزافزون شیعه های صفوی، مبنی بر اینکه فرستادگان خدا هستند، باعث در دسرهایی برای آق‌قویونلوها گردید، بهمین دلیل روابط شیوخ اردبیل با آنان بسیار سردتر و تیره تر از روابط آنان با قره قویونلوها شد. منابعی که فعلا در دسترس هستند این قبول تحمیلی از طرف آق‌قویونلوها را تأیید می‌نمایند، بدلالی بسیار ساده منابع سیاسی در این باره اطلاعات

۱۲- مینورسکی: جهان‌شاه قراقویونلو و اشعارش

۱۳- سوانح‌الایام، چاپ بمبئی ۱۳۰۷ قمری صفحه ۴۷ نوشته ژان اوپن،

مدارک مربوط به بیوگرافی شاه نعمت‌الله ولی، تهران ۱۹۵۶ صفحه های ۲۱۱ و ۲۱۲

۱۴- لب التواریخ صفحه ۲۲۱

کمتری بخواهد داد. اسناد تاریخی در خانواده های سنی در ایران باید کم باشد. ۱۵

بجز در موارد خیلی اساسی و اصلی آق قویونلوها به شیعه یا سنی بودن اشخاص و متنفذین محلی، بی تفاوت بودند. در شهر قم که مرکز شیعه است روابط آق قویونلوها با شیعهها بطور دائم ولی محتاطانه انجام گرفت و این روابط در اسناد متعددی از شاه اسماعیل تأیید میگردد^{۱۶}. باز هم بادر نظر گرفتن مدارک تاریخی مثال دقیقتری داریم: یعنی اسناد اصفهان.

بقعه شهشهان در اصفهان نزدیک مسجد جمعه در محله باب الدشت در قرن پانزدهم بنام بقعه حسینیه نامیده میشد و بهمین نام است که شاردن نکاتی چند درباره آن در شرح اصفهان قرن هفدهم بیان نموده است. ۱۷

آقای حسین شهشهبانی جانشین و بازمانده متولیان قرن پانزدهم آثار باستانی را مرمت کرد و به بنیادهای موسسات خیریه روح^{۱۸} تازه ای داده است و بادقت و حوصله بسیار اسناد پراکنده بقعه را پیدا و جمع آوری نمود، و با وجود اینکه اسناد زیادی ناپدید شده است و شاید هرگز هم بدست نیاید، وی در حال حاضر مجموعه بسیار ارزنده ای از این اسناد را در اختیار دارد. ما چهار سند مربوط

۱۵- فرمان یعقوب بیک بتاريخ ۳ جمادی الثانی ۸۸۳ در خنج که بیشتر اهالی آن سنی میباشد بدست نگارنده رسید. رسوم محلی اینطور می خواهد که تاریخ از بین بردن آرشیه ها به زمان نادرشاه مربوط شود.

۱۶- مدرک قم شاه اسمعیل ۹۱۸ برابر با سال ۱۵۱۲، سطر ۵، که جز با عبارت «بدستور قدیم» به مدارک قرن پانزدهم اشاره نمی کند.

۱۷- شاردن آمستردام سال ۱۷۱۱، صفحه ۵۴

۱۸- به این مناسبت چندین مقاله در روزنامهها چاپ شد و فهرست آنها در کتاب «انساب خاندانهای مردم نائین» نوشته سید عبدالحجت بلاغی (که کتاب چهارم مجموعه با ارزش او بنام «تاریخ نائین» است صفحه های ۱۸۰ و ۱۸۱)

به قرن پانزدهم را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. اما مدارک مربوط به دوره صفویه را در نظر نخواهیم گرفت زیرا اینها از حد مطلب ما خارج هستند.

اهمیت مدارک آقای شهشپهانی بیشتر از این نظر است که اصل آنها یکی از مهمترین حوادث تاریخ شیعه را در اصفهان در بردارد. رقابت بین نواحی که شاخص اجتماعات شهری ایران در آن زمان است، بویژه در اصفهان، در حد اوج خود بود و بصورت کینه تیزی و دشمنی بین شیعه‌ها و سنی‌ها ظاهر شده است. تاریخچه این جنگهای داخلی و پیروزی آرام شیعه توسط هیچ يك از مورخین محلی گفته نشده است تا بتوانیم در اینجا به آنها اشاره کنیم. اما جریان باین قرار است که در سال ۸۵۰ مطابق با سال ۱۴۴۶ بزرگان شیعه اصفهان متعهد میشوند در جنگی که بین سلطان محمد و پدر بزرگش شاهرخ در گرفته بود، فعالانه شرکت کنند. شورش سلطان محمد بایسنقر توسط ولادیمیر بار تولد Vladimir Bartold تحقیق شده و متن آن بعد از مرگ او منتشر گردید و مدارکی که در حال حاضر موجود هستند میتوانند بطریق بسیار قابل توجهی این متن را غنی تر کنند^{۱۹}. در اینجا کافی است اضافه نمایم که شاهرخ در اصفهان مستقر گردید، در حالیکه سلطان محمد شیراز را بسیج کرده بود. بازرگانان اصفهانی که بعلت شرکت در شورش مقصر شناخته شده بودند جلوی دروازه شهر ساوه، شهر شیعه، اعدام گردیدند. در بین محکومین سید شاه علاءالدین محمد نقیب حسینی یکی از رهبران شیعه اصفهان و یکی از هواداران مهم سلطان محمد در عراق عجم بود.

۱۹- مراجعه شود به ZIVAN، ۵، ترجمه آلمانی Hinz و ZDMG، ۱۹۳۶ (به آن اضافه کنید ملاحظاتی را که در مقاله نگارنده در باره دو سید از بم ZDMG ۱۹۵۶ نوشته ام).

مرگت شاه رخ به سلطان محمد فرصت داد تا فوراً نسبت به تصرف دوباره عراق عجم اقدام نماید. بازگشت او با صفهان موجب شادی سرشار خاندانهای شیعه شد. وی بکمک بازماندگان شهدای ساوه آمد^{۲۰}. بخششی که وی بصورت وقف در دوازدهم ربیع الثانی ۸۵۲ مطابق با شانزدهم مه ۱۴۴۸ کرد، نشانه‌ای از همین خواسته اوست. برای نگهداری از مزار شاه علاءالدین محمد که جسد وی به اصفهان برگردانیده و در بقعه حسینییه بخاک سپرده شد، سلطان محمد بعنوان وقف ده اصفهانک^{۲۱} و مزارع «دارزیان» واقع در بلوک «کرارج» و مزارع فلاسان (والاسان) واقع در بلوک فریدن را هدیه نمود. این بخشش درست طبق قانون انجام گرفت به این معنی که سلطان محمد زمین‌های مورد بحث را که جزو املاک سلطنتی (اموال خالصه) بود خریداری نمود و آنها را بعنوان وقف اهدا کرد^{۲۲}، این وقف

۲۰- (مطلع السعدین)، ناشر محمد شفیح، صفحه ۸۹۴ در مورد بناهای مذهبی که بدستور سلطان محمد پس از بازگشت وی به اصفهان ساخته شده است مراجعه شود به «آثار ایران» سال ۲ شماره ۱ (۱۹۳۷) صفحه ۱۷۱ نوشته گودار

۲۱- اصفهانک دهکده بزرگی است در جنوب غربی اصفهان. شاردن تعداد خانواده‌های ساکن در آنرا چهار هزار تخمین زده (۲۰/۰۰۰ نفر) امروزه اصفهانک توسط وزارت کشاورزی بعنوان دهکده نمونه انتخاب شده، ۱۷۰۰ هکتار زمین قابل کشت دارد و لاسون: نام جدید آبیاری میباشد.

۲۲- جزئیات آن در فرمان مربوط به وقف سلطان محمد بایسنقر تیموری در ۱۲ ربیع الثانی ۸۵۲ و همچنین در فرمان رستم بیک بتاريخ ۱ رمضان ۹۰۰ یافت میشود. فرمان مربوط به وقف سلطان محمد جزو توماری است که تمام مدارک دیگر مربوط به وقف نیز به آن اضافه شده‌اند، یکی از این مدارک که توسط بهاءالدین عاملی و شخصیت‌های دیگر آن زمان امضاء شده است توسط بلاغی OP. Laud در صفحه‌های ۱۷۷ و ۱۷۸ منتشر شده است. و متن کامل بطور ناخوانا در صفحه‌های ۱۸۰ و ۱۸۱ میباشد. مهربابکر تهرانی بروی تومار دیده میشود و این تومار بتاريخ ۸۸۶ مطابق با سال ۸۲-۱۴۸۱ است و همچنین امضاء جلال - الدین دوانی: محمد بن اسعد بن محمد بن الصدیقی الدوانی والی شرعیات فارس به تفویض سلطانی.

بشرطی انجام گرفته بود که بازماندگان شاه علاءالدین محمد متولیان آن باشند. ۲۳ و در آن قید شده بود که چنانچه بازمانده ذکور وجود نداشته باشد مقام متولی به بازماندگان مؤنث محول گردد و چنانچه اینان نیز از بین رفتند به فردی از خویشان نزدیک که بخاطر تقوی و توانائیش او را انتخاب خواهند کرد، سپرده شود. اتفاقاتی که بعدها بوقوع پیوست نشان می‌دهد که پیش‌بینی‌های راکه سلطان محمد بمنظور حمایت و تحبیب از فرزندان یکی از شهدای راه تحقق اهدافش کرده بود و شرح آن گذشت، بی‌مورد نبوده است. جزو مشخصات این مدرک باید نظر خوانندگان را نسبت به القابی که در آن بشاهرخ داده شده است، جلب‌نمائیم ... ابوالفتح سلطان محمد بهادرخان بن... السلطان السعید الشهیر بایسنقرخان ابن خاقان اعظم خلداله فی العالم ظل اله - بین الامم اعدل السلاطین قهرمان الماء والطين قامع الفجرة التمردین قالع الجابره المفسدین فرمان - فرمای روی زمین آسمان قدر فلک تمکین الخاقان ابن الخاقان معین السلطنه والحق والدنیا والدین شهنشاه مغفور مبرور شاهرخ بهادرخان .

خواندن عبارات «عادل‌ترین سلاطین، کسی که دو رویان و فتنه - انگیزان را نابود میکند، مغروران بدکردار را از بین می‌برد» کمی تعجب‌آور است آنهم در مدرکی که بنفع محکومی بی‌گناه در دستگاه عدالت شاهرخ توسط شاهزاده‌ای که برضد او قیام کرده بود، اقامه شده باشد. جملات مورد استفاده با در نظر گرفتن محیط و سبک انشاء نویسی منشیان آن زمان. بنظر زیاده از حد بی‌پرده و بی‌پروا است .

۲۳- دعوی بین متولی وقف مورد بحث ورستم بیک آق‌قویونلو بتاریخ ۱۰ شعبان ۹۰۰ هـ مطابق ۶ مه ۱۴۹۵، تولیت ایشان شرط وقف ساخته .

شاید استفاده از القاب تشریفاتی پادشاه فقید بمنظور این بوده است که اعلام دارند سلطان محمد و هواخواهانش خود را در شورش سهیم نمی‌دانستند و مسئولیت لشگرکشی به عراق را به گردن گوهر شاد بگذارند. در هر حال از نوشته های آن زمان چنین استنباط میشود که تمام تصمیم های در این مورد را او گرفته است.^{۲۴} یا شاید هم منظور اصلی سلطان محمد اثبات قانونی بودن حکومت تیموریان بوده است.

طبق تصمیم‌هایی که سلطان محمد گرفته بود اولین متولی شاه قطب‌الدین پسر شاه علاءالدین محمد بوده است ابوالقاسم بابر این وقف را تصدیق کرده. رجوع شود به سند یعقوب (یعقوب بیگ آق قویونلو). مدارکی که بجا مانده است وضع بقعه حسینیہ را در زمان حکومت قره‌قویونلوها روشن نمیکند.

شاه قطب‌الدین در حدود سالهای ۸۵۹ یا ۸۶۰ مطابق با سال ۱۴۵۶ درگذشته است زیرا در مدرکی که بتاریخ ۱۱۹۰ مطابق با سال ۱۷۷۶-۷۷ در دست است، اشاره به سندی میکند که در سال ۸۶۰ قاضی القضاة فارس صادر نموده و اکنون نیز آن سند مفقود شده است و در آن ذکر گردیده که شاه علاءالدین محمد در آن زمان وارث ذکور نداشته است، بنظر می‌آید دختر شاه علاءالدین (بنت مرتضائی مرحوم مبرور شهید شاه علاءالدین محمد نقیب طبنا مرقدہ) بطریقی با پسر عمش شاه نورالدین در مقام متولی‌گری بموجب حکم اوزون حسن مورخه اول شعبان ۸۷۹ مطابق با یازدهم دسامبر ۱۴۷۴، شریک

۲۴- سید عبدالحجت بلاغی «مقالات الحنفیة مقامات شمس‌العرفا» تهران سال ۱۳۶۹ - ۱۹۵۰ صفحه ۱۷۱ از متن اینطور استنباط میشود که سلطان محمد تصور میکرد پدرش بقتل رسیده است (و این موضوع مستقیماً گوهرشاد را متهم میکند). لغتی که قبل از نام بایسنقر دیده میشود نباید شهید خوانده شود بلکه الشہیر میباشد.

بوده است . در سال ۸۸۴ مطابق با سال ۱۴۷۹ شاه تقی‌الدین ابن قوام‌الدین حسین برادر شاه نورالدین نزد یعقوب بیك رفت و فرمانی از اوزون حسن را ارائه نمود . آثاری از این فرمان در فرمان یعقوب بیك به شاه تقی‌الدین مورخه پنجم ربیع‌الثانی ۸۸۴ مطابق با ۲۶ ژوئن ۱۴۷۹ ، دیده شده است که سبب شناخته شدن فرمان مزبور گردید .

فرمان اوزون‌حسن سایر فرمانهای شاهرخ ، تیمور و سلاطین قبلی ۲۵ را که بنفع نقیب حسینی‌ها صادر شده بود تأیید مینمود و به این طریق امتیازات دیگری را که بآنان داده شده مشخص و روشن میسازد . متن این فرمان شامل فهرست بلندی از معافیت‌های مالیاتی است که بآنان تعلق میگیرد ، در آن تصریح شده است که نباید به کسی اجازه ورود به خانقاه ایشان داده شود و اگر هم قبلاً داده شده نباید سند تنظیم کنند ۲۶ این مورد شاید در زمانی که شاهرخ در اصفهان مستقر شده ، یعنی در سال ۱۴۴۶ ، اتفاق افتاده باشد . بالاخره اوزون‌حسن مبلغ هزار دینار تبریزی بعنوان مستمری برای برادر شاه تقی‌الدین در نظر گرفت .

این مستمری توسط یعقوب بیك برای شاه تقی‌الدین دوباره تجدید شد . شاه تقی‌الدین تمام مزایائی را (مسلمیات) که بموجب فرمان اوزون‌حسن به برادر و به دختر عمش (که لابد تا آن زمان بدرود حیات گفته بودند) اعطاء شده بود بدست آورد ، و متولی وقف سلطان محمد شد . متن فرمان در این مورد بسیار دقیق چنین

۲۵- بامضای نشان شاهرخ میرزا که ممضی فرمان امیر بزرگ و فرامین سلاطین سابقه درباره مناصب و مسلمیات نقباء عظام اعلی‌الله تعالی‌شانهم شرف اصدار یافته بود .

۲۶- در خانقاه ایشان نزول نکنند وآنکه در زمان سابق نزول کرده باشد سند نسازند .

نوشته شده است: «چنانچه بسعی و اجتهاد خود در ازدیاد زراعت رقبات کوشیده تکثیری در محصولات واقع شود مخصوص ایشان دانند و قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند». بقیه فرمان مسئولیتها و مشاغل شاه تقی الدین محمد را نام میبرد، وی بسمت متولی وقف های له له سفی شاه و له له محمد تعیین شد، دو وقف مزبور به امامزاده زین العابدین وایسته است.» ۲۷

درآمد این وقف ها ۸ تومان تعیین شده بود و هر نوع ازدیادی برای این مبلغ شامل مالیات و غیره نمیشد ۲۸ و بخود متولی تعلق میگرفت. بموجب آخرین ماده فرمان، مزرعه فلاسان به متولی بقعه حسینییه باز میگردد. بدون شك این مزرعه از زمان دوری بدست غریبه ها افتاده بود، زیرا سندی که شاه تقی الدین برای اثبات حق خود ارائه کرد فرمانی بود از ابوالقاسم بابر ۲۹ یعقوب بیک بطور بسیار روشنی اظهار میدارد که رسیدگی به شکایات موجود باید توسط دارالقضای اصفهان انجام پذیرد. دهکده هفشویه که از توابع فلاسان میباشد جزو وقف بود، و اقداماتی که قبلا مورد مطالعه قرار گرفته بود در مورد ساکنین این ده نیز صدق مینماید.

از دقتی که در ذکر اقدامات مورد بحث بکار برده شد، چنین استنباط میشود که صاحب این مدرک در مقام قیاس با سایر مدارک از حد اکثر تأمین برخوردار بوده است، ولی بعلت تکرار زیاد فرمان

۲۷- امروزه «درب امام» نامیده میشود مراجعه بشود به (آثار ایران سال ۲ شماره ۱ صفحه های ۴۷ تا ۵۷).

۲۸- «بزیادتی جمع نکنند»

۲۹- فرمان پادشاه مرحوم بابر میرزا نمود که مزرعه فلاسان از اعمال فریدان اصفهان پادشاه مبرور سلطان محمد بایسنقر خریده و وقف بقعه حسینییه ساخته و در این ولاجمعی متقلبه متصرف گشتند باید که بتصرف مشارالیه که متولی بقعه مذکوره است گذارند.

متوجه میشویم تفاوت‌های کوچکی بین آنها بوجود آمده و فراموش کاریهائی نیز در نوشته، این امکان را ایجاد نموده است که مزایای اعطا شده را بتوان بسیار محدود تعبیر کرد. دیدیم که مدت کم بعد از اهدای فلاسان این مزرعه از دست وارث شاه علاءالدین درآمد و گمان میرود که این مسئله در تمام مدت سلطنت جهان‌شاه قره‌قویونلو ادامه داشته است زیرا بطور تعجب‌آوری در مدارك بعدی مشخص میشود که از تصمیماتی که قبلاً بنفع نقیب حسینی‌ها گرفته شده بود اصلاً اطلاعی نداشته‌اند. قوانینی که در اسناد قید و طبق سنن برقرار شده بود دائم مورد تردید و اعتراض قرار میگرفت. پس از مرگ یعقوب بیک هنگامیکه رستم بیک بن مقصود بن اوزون‌حسن این مکان را به نظام‌الدین عبدالکریم بیک لله‌اش بخشید نزدیک بود اصفهانک نیز از دست شاه تقی‌الدین محمد درآید. شاه تقی‌الدین برضد پادشاه شکایتی اقامه کرد که مآتمام جزئیات آن را که در تاریخ ده شعبان ۹۰۰ مطابق با ۶ مه سال ۱۴۹۵ بود در دست داریم.^{۳۰}

شاه تقی‌الدین دعاوی خود را از طریق وکیل خود شیخ تقی‌الدین -

بن حسین ابن المولاشیخ بهاء‌الدین العباسی مطرح کرد، در حالیکه نصیرالدین عمر از حق رستم بیک دفاع میکرد. شیخ تقی‌الدین اصرار میکرد و برگفته خود ایستادگی مینمود که این زمینها از طریق وقف به بقعه حسینییه توسط سلطان محمد^{۳۱} اهدا شده و این بخشش طبق

۳۰- مدرک اصلی ناپدید شده است. آقای شهبهانی رونوشتی از آنرا در دست داشت که در سال ۱۲۵۳ مطابق سال ۱۸۳۷-۳۸ توسط سید عبدالوهاب بن محمد امین شهبهانی نویسنده «بحرالجوهر» تهیه شده است و محمد علی گلستانه و ابراهیم قزوینی صحت رونوشت را گواهی نموده‌اند. هدیه به عبدالکریم بیک لابد پس از فرونشاندن شورش کوسه حاجی که توسط بایندر حاکم اصفهان رهبری میشده داده شده است.

۳۱- مملک ساخته بوجه صحیح شرعی ملی و در ملکیت او استقرار یافته بود وقف کرده.

قوانین انجام گردیده است^{۳۲} او شرایط وقف را متذکر شد و گفت که متولی باید از میان فامیل شاه علاءالدین محمد انتخاب شود و شاه تقی الدین وارث حقیقی و ظایف پدرش قوام الدین حسین بوده زیرا وی و شاه علاءالدین، نتیجه خوانده، که از خانواده سیدهای گلستانه بود، از یک مادر بودند. بنابراین شیخ تاج الدین نتیجه میگرفت که موکل نصیرالدین عمر بطور غیرقانونی اصفهانک را ضبط کرده است^{۳۳} نصیرالدین عمر دفاع خود را بر سه نکته بنا نهاد: محمد بایسنقر صاحب زمینها نیست. وقفی نکرده و شرطی برای شخصیت متولی معین نموده است. بنابراین شاهزاده متصرف بحق زمینهای است که مدعی خواستار آنها میباشد.

اسامی شهودی که برای تأیید گفته‌های شیخ تقی الدین آمدند به این قرار است:

۱- خواجه شمس الدین محمد بن خواجه جلال الدین امیر بایزید ابن خواجه جمال الدین حاجی فریدون فریدنی اصفهانی^۲ - رئیس شهاب الدین بن رئیس علی بن رئیس محمد خزینی اصفهانی^۳ - خواجه نظام الدین احمد بن خواجه زین الدین پیر علی بن خواجه جلال الدین محمد اصفهانی معروف به سمنانی^۴ - خواجه قیاس الدین شبلی بن شهاب الدین فضل اله بن خواجه امیر علی^۵ - خواجه شمس الدین محمد بن خواجه قیاس الدین علی بن خواجه شمس الدین محمد سلمانی ایجی ساکن اصفهان. شاهدها مورد قبول قرار گرفتند و پس از استماع سخنانشان قضات سه روز به نصیرالدین عمر مهلت دادند

۳۲- این سه تا ده (الف) بملکیت خود پادشاه درآمد. (ب) و بعد از آن وقف کرد. (ج) - و بتصرف وقف داد.

۳۳- موکل ناصر الدین عمر یعنی عالیحضرت پادشاه مومی‌الیه بقصب و غیر حق متصرف است و حق تصرف در آن ایشان را نیست.

تا پاسخ یا دفاعش را آماده کند . نصیرالدین تغییر عقیده داد و موضوع رادنبال نکرد و بدین طریق اصفهانک متعلق به بقعه حسینیّه و غیرقابل انتقال شناخته شد .

این مدرک بدلائل مختلفی جالب است . اولاً نشان میدهد که در زمان سلطنت رستم بیک این امکان وجود داشته که به محاکم برضد تصمیمات شاهانه شکایتی شود . این مدرک شامل اسامی خاص زیادی است که هنوز اطلاعاتی درباره آنها جمع آوری نشده بعضی از آنها نام بزرگان اصفهان است و بعضی دیگر نام کارکنان دیوان . به اسامی شهود باید نام قضات و امضاءکنندگان متعدد دیگر این سند را اضافه کنیم . حکم توسط پنج قاضی صادر شد :

۱- اقصی القضاة مولانا فتوح الدین محمد، که پدرش (الجناب ولیدهو، کلمه احترام) مولاکمال الدین احمد بن مولا جمال الدین محمد اصفهانی قاضی تبریز بود .

۲- عمدة الفقهاء مولانا نجم الدین محمود بن غنی بن عیسی الحنفی السدادی .

۳- خواجه امیر ابواسحاق ابن امیر کمال الدین حسین ابن خواجه باج الدین (کذا) احمد بن الخواجه نورالدین محمد کمال اصفهانی .

۴- مولانا عزیزالله بن مولانا کمال الدین حسین بن مولانا رکن-الدین محمد اصفهانی .

۵- اقصی القضاة نورالدین محمد که پدرش قاضی شهید (الشهید) مولانا زین الدین - علی بن مولانا تاج الدین حسن الفریدی، قاضی اصفهان بود .

بر روی این سند ۲۶ امضاء بشرح اسامی زیر نقش بسته :

۱- امین یعقوب سلیمان شریف شفیعی ۲- علی بن شکرالله ۳- حسن-

الشریف بن ابی بکر تهرانی ۴- محمد بن علی بن حسن الفریدی که امضای او همراه بامهر او بتاریخ اول ربیع الاول ۹۰۱- مطابق با ۱۹ دسامبر ۱۴۹۵ میباشد .

۵- فتوح بن کمال الدین الاصفهانی ۶- محمد الطالپین

۷- عبدالوهاب بن عبدالغفار ۸- محمود بن غنی بن عیسی ۹- محمود بن شکراله باضافه مهراو .

۱۰- ایدریس بن حسام الدین البیدلیسی ۱۱- علی... ۱۲- احمد-

الخلیدی ۱۳- احمد الاحی ۱۴- محمود الحنفی السدادی (مطابق

شماره ۹۸) ۱۵- عمر بن الشیخ تاج الدین ۱۶- غیاث الدین بن سلمان

دیلمی ۱۷- محمد بن ابی بکر بن احمد تهرانی ۱۸- محمود بن عبدالطیف-

بن خواجه امیر قپان ۱۹- نصراله الکشفی ۲۰- محمد بن طاهر

۲۱- شمس بن محمد بن قیاس الدین علی ۲۲- شبلی بن شهاب الدین-

اولا ۲۳- محمد بن بایزید بن حاجی فریدون. ۲۴- ابواسحاق بن

حسین بن احمد ۲۵- نظام الدین بن سعید علی سمنانی ۲۶- علی بن

اسلام بن محمدروادى ۳۴

فرمانی از رستم بیك بتاریخ اول رمضان ۹۰۰ مطابق با ۲۶

مه سال ۱۴۹۵ اصفهانك رابه شاه تقی الدین محمد برگرداند و این

حکم از اینقرار است. ۳۵

(۱) هو الغنی

(۲) الحكم لله .

۳۴- امضاهای ۴ و ۵ و ۸ و ۲۴ همانند امضا های قضات ۵ و ۱ و ۲ و ۳

میباشند. امضای ۲۳ امضای شاهد اول میباشد (وامضای ۲۲ همانند شاهد چهارم؟) .

۳۵- قبلا نسخه ای از آن مقلوط در دومین چاپ «تذکره القبور در سال ۱۳۲۹»

بین صفحه های ۱۸۸ و ۱۸۹ چاپ شده است .

(۳) ابوالمظفر رستم بهادر سوزومیز .

(۴) حکام و عمال وکلانتران دارالامان اصفهان بدانند که سابقا فرمان (۵) همایون نافذ شده بود که ضبط و سرکاری موضع اصفهانک کراج متعلق (۶) بملازمان عالیجناب ابدزمان دولت امان حکومت قباب افتخار الامراء العظام بین الامم عمدة الحکام الکرام فی العجم اعتماد الدوله السلطانية نظام الدین (۷) عبدالکریم بک لله ام دانند و مال و منال بتحصیل مشارالیه مقرر دانسته قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و بر آنجا حوالتی ننمایند و از ابتداء توشقان ئیل (۸) چون بوقضیه ثابت شده مقرر شد که بتصرف عالیجناب سیادت پناه نقابت دستگاه مرتضی ممالک اسلام شاه تقی المله و الدین محمد نقیب اعلی الله تعالی شأنه که (۹) متولی شرعی است گذارند بموجبی که احکام همایون در آن ابواب صادر شده تامنال خود تصرف نموده خراج از قرار قانون بموجبی که مستوفیان (۱۰) دیوان اعلی بر آورد نموده اند جواب گویند وجه منال بموجبی که در سایر املاک دیوانی میبعی مقرر شده (شود: Var) بنمایند بموجبی که علیحده در آن باب (۱۱) نشان شده و داخل مملکت است باید که خراج موضع مذکور را همچنان بتحصیل ملازمان عالیجناب امیر مشارالیه مقرر دانسته قلم و قدم کوتاه (۱۲) و کشیده دارند و بهیچ وجه من الوجوه حوالتی ننمایند و آنچه رسید دوشلیک و اخراجات حکمی موضع مذکور باشد علیحده حساب نموده آن نیز بتحصیل (۱۳) ملازمان امیر مشارالیه داده بمصرف دیوانی رسانند و بعلت اخراجات خلاف حکم مطلقا تعرض برعایا نرسانند و مطالبتی ننمایند (۱۴) و داروغه بلوک مذکور می باید که مطلقا متعرض احوال رعایا آنجا نشود که داروغگی این موضع بملازمان امیر مشارالیه متعلق است (۱۵)

بدین جمله روند و از شکایت محترز بوده هر ساله نشان مجدد نطلبند در عهده داند (۱۶) تحریرا فی غره رمضان المبارک سنه تسعمائیه (۱۷) دارالسلطنه تبریز (حاشیه: عبدالحی (۹) .

برقراری امنیت و نظم در اصفهانک از قدرت داروغه بلوک کراج خارج و به نمایندگان شاه تقی الدین محمد نقیب واگذار میگردد، اینان نیز وظیفه دارند مالیاتها را جمع آوری نمایند. باوجود این، حکم رستم بیگ سیورغال نمیشد. متن حکم اصفهانک برای شاه تقی الدین دارای سه جنبه است.

۱- در مقام متولی شاه تقی الدین حقوق (منال) خود را طبق مقرراتی که برای زمینهای دیوانی بفروش گذاشته شده (املاک دیوانی مبیعی) به نوعی که اصفهانک نیز جزو آنست دریافت میدارد.

۲- خراج اختصاصی دریافت میکند.

۳- اخراجات حکمی و دوشلیک^{۳۶} که مالیاتهای غیرعادی حکمی هستند که توسط نماینده های او جمع آوری و بدیوان تحویل داده میشود.

شاهزاده آق قویونلو در کمک و محبت به نقیب حسینی های اصفهان دریغ نداشتند. مدارک مربوط به اصفهان آن زمان، یعنی زمان آق قویونلوها، جزو مدارکی که فعلا درباره اصفهان در دست هست، نمیشدند.

باوجود این میتوانیم با قاطعیت بگوئیم که نقیب حسینی ها همیشه شیمه هائی بودند که برای اهداف خود می جنگیدند. برادر شاه تقی الدین محمد، سید قوام الدین حسین از نزدیکان شاه اسماعیل بود.

۳۶- مراجعه شود به مینورسکی BSOS شماره ۹ صفحه ۹۵۵ و تذکره - الملوك صفحه ۵۷ و ۲۱۵ .

آقای شهشهبانی مدرکی در اختیار دارد که شاه اسماعیل در ۱۴ ذوالقعدة ۹۱۰ مطابق با ۱۸ آوریل ۱۵۰۵ صادر کرده است که در آن مقام شاه قوام الدین حسین بعنوان قاضی القضاة تاکید میشود و باو مقام نقیب النقبائی عراق عجم را که قبلا به اجدادش تعلق داشته است اعطاء میکند.^{۳۷}

قوام الدین بعدها بمقام ناظری دیوان اعلا^{۳۸} رسید و بدین طریق توانست نظارت خود را بر تمام موسسات صفوی بسط دهد. معزالدین محمد پسر شاه تقی الدین محمد در زمان شاه اسماعیل مقام صدر را بعهده داشته^{۳۹}

جزو پنج شاهی که ادعای شاه تقی الدین را در سال ۱۴۹۵ پشتیبانی کردند شخصی است بنام رئیس خزینی. شخصی از این خانواده بنام یار احمد خزینی که امیرالامرای شاه اسماعیل بود. جزو اسامی که در مدرک مذکور ذکر گردیده نام قاضی نورالدین فریدی که پدرش يك شهید بود دیده میشود و همچنین نام یکی از نوه های خواجه امیر قپان که یکی از شهدای ساوه بوده است. این نشانه های کوچک بما اجازه میدهند تا ارتباط يك گروه شیعه اصفهانی را در نظر گرفته و خصوصیات آنها را بهتر و روشن تر درك نمائیم و حوادث سال ۱۴۴۶ را بعنوان حادثه ای که توسط تعدادی انسان جاه طلب ساخته شده است، قبول نکنیم. این اقدام تاسف انگیز مانند اقدامات زیاد

۳۷- در مورد نقیب النقباء مراجعه کنید به رومر (Roemer) و یسپادن سال ۱۹۵۲ صفحه ۱۴۹. مدارکی را که مطالعه کرده ایم لقب نقیب النقباء را به نقیب حسینیها نمیدهند و فقط گاهی بین بعضی القاب دیگر سلطان النقباء بچشم میخورند که فقط لقب افتخاری است و مربوط به شغل و مقام نیست.

۳۸- «لب التواریخ» صفحه ۲۵۷.

۳۹- «تحفه سامی» صفحه ۲۳.

دیگری، شبیه آنچه که در قرن پانزدهم بسیار مشاهده شده است، برای دوباره ساختن اجتماع تحت راهنماییها و حمایت مذهب معمول گردیده است. این مطلب را بارتولد چنین بیان کرده است: تاریخ نویسان هراتی دلیل اصلی شورش سلطان محمد را مشکلات مالی میدانند ۴۰. تاریخ نویسان یزد (جعفری، علی بن حسین) در همان زمان اشاره به اشکالات مالی بزرگان اصفهان میکنند. اصفهانیها گام اول را برای شورش برداشتند و از سلطان محمد که اصلاً در این فکر نبود خواهش کردند تارياست این شورش را قبول نماید. چنانچه شیعهها رهبران و بسط دهندگان يك فرضیه مخالف با قدرت حاکمه نبودند مسلماً این واقعه چنین مهم جلوه نمیکرد و تنبیه آنان به این پایه سخت و غیر معمول نمیبود.

مرکز تحقیقات کاپتور علوم اسلامی

امیدهایی که تعدادی از شیعیان روشنفکر قرن از پسر جوان بایسنقر در دل خود داشتند از نظر افکار عامه مردم که روز بروز متزاید میشد در مقابل ضعف سیاسی دستگاه حاکمه در مورد برطرف کردن ناراحتیها و بدبختیهای قرن بسیار پرمعنی میباشد: من مقاله بدون ابهامی درباره رشد همین عقاید در محیط بسیار ساده و کوچک شهر بم بچاپ رسانیدم. ۴۱

برای درك عمیق قرن پانزدهم در ایران باید جنبش فکری آن

۴۰- بارتولد Zivan ۵ صفحه ۱۶

۴۱- نکات تاریخی مربوط به بم در زمان تیموریها و قره قویونلوها در

«فرهنگ ایران زمین» شماره ۲ صفحه ۲-۳ سال ۱۹۵۴.

زمان را مدنظر قرار دهیم و توجه داشته باشیم که آقای هینز (HINZ) متخصص برجسته تاریخ مالی از عهده بیان ارزش حقیقی خوی انسانی آن بر نیامده ^{۴۲} هدفهای شاه علاءالدین محمد حسین و بزرگان اصفهان روشن نیست . آنان وقت کافی برای عرضه کردن هدفهای خود نداشتند و درگیریهای مالی نیز اتفاقات پیش‌بینی نشده آنان را فلج کرده بود .

در اطراف شاهزاده مردان بزرگ و روشنفکر نیز وجود داشته‌اند که مهمترین آنان شرف‌الدین علی یزدی مشاور اوست که نویسنده معروف آن زمان بوده است . شرف‌الدین از میان تمام مقصرین اصلی تنها فردی بود که بدار آویخته نشد . عقاید سیاسی وی در ظفرنامه که شرح حال تیمور است بخوبی روشن است . ظفرنامه باروش بسیار موزون و بدیع و با استفاده از منابع تاریخی‌ایکه توسط ابراهیم سلطان بن شاهرخ دوباره مورد مطالعه قرار گرفته بود ، نوشته شده است . قضاوت‌های پر تملق و شرم‌آور توأم با دورویی و تزویر که لحن ظفرنامه دارد، طبیعت شرکت شرف‌الدین را در نوشته مستور داشته و در روایاتی که توسط ابراهیم سلطان نقل شده است نظرات کلی‌گروهی از روشنفکران شیعه را درباره چگونگی پادشاه دلبخواه ، با پیروی از روش نوشته های مذهبی ، افزوده است .

شرف‌الدین بخاندان تیمور نوعی لقب «سید افتخاری» داده است و خاندان تیمور را به خاندان پیغمبر شبیه نموده و متذکر شده است که هر دو از محبت‌های الهی همانند هم برخوردار بوده و قادر

۴۲- برلن لاپیزیک سال ۱۹۳۶ . نویسنده با اضافه کردن تزاوج دوباره

نبوغ آریائی به مطلب فرصت‌طلبانه بازگشت ملی صفوی اکتفا کرده است .

به ابلاغ آنها میباشند^{۴۳}

تیمور همانند پادشاهی که فرستاده خدا بوده است و فرامین الهی را اجرا نموده بیان شده و شرف الدین به وارث تیمور پیشنهاد مینماید که تیمور را برای خود سرمشق و نمونه قرار دهند .

صائن الدین علی ترکه^{۴۴} که از خاندان معروف ترکهای اصفهانی است، جزو جمع شرف الدین علی یزدی بوده است . برادر بزرگ صائن الدین یعنی صدر الدین و پدرش افضل الدین به جمع معتقدین حروفیه (عرفان) پیوستند^{۴۵} و این اعتقادات عرفانی در توده ها بعنوان اعتراضات اجتماعی نمایان میشد. خود صائن الدین که به وی تهمت صوفی گری زده بودند یکی از اشخاص همیشه مظلوم بود. پس از سوء قصد احمدلر به شاهرخ، صائن الدین به زندان افتاد. دو شعر نامه پراز سوز و شکایت او بنام «نفثة المصدور» که بیان کننده حیاتی توأم با در بدری بود، برملا شده مورد ایداء داروغه قرار گرفت و شاخص سر نوشت متفکرین آزادیخواه در زمان سلطنت شاهرخ میباشد^{۴۶} در چندین نوشته به روشنی اظهار میدارد که سنی است. « رساله در اعتقاد» بقلم او که بمنظور بر طرف کردن اتهامات وارده مبنی بر مخالف بودن او با عقاید عمومی نوشته شده مثال خوبی

۴۳- ظفر نامه - منتشر شده در کلکته ، جلد ۲ صفحه های ۴۴۱ و ۴۴۲ .

۴۴- « مدارك مربوط به بیوگرافی شاه نعمت الله ولی ، صفحه ۷۰ .

۴۵- ه- ریتزر در «Oriens» (مشرق زمین) سال ۷ شماره ۱ (۱۹۵۴)

صفحه ۱۵ بموجب خوابنامه .

۴۶- مراجعه شود به مقدمه نشریه توسط سید محمدرضا جلالی نائینی از

ترجمه فارسی توسط افضل الدین ترکه کتاب «الملل والنحل» شهرستانی صفحه های ۴۶ تا ۵۰ و به «سبک شناسی» بهار شماره ۳ صفحه های ۲۳۰ تا ۲۳۶ .

است برای مشخص نمودن طررقی که معترضین میتوانستند دنبال کنند. پس از بی‌اثر نمودن اتهامات دست به‌حمله متقابل زد، او تحمل و بردباری شاه شجاع را تذکر داد و در پایان با اشاره به پاسخ غزالی به اتهامات مشابهی، چنین مینویسد. این پاسخ دائمی نبودن و تزلزل‌پذیری حکومت را به شاه یادآور میشود و اینکه در روز رستاخیز باید جواب همه بدبخت‌ها، برهنه‌ها و گرسنه‌ها را بدهد، توجه وی را به فلاکت عمیق و بی‌عدالتی که در کشورش حکمفرما است، جلب مینماید.

وقتی ریو مدرکی را که در موزه بریتانیا موجود است، شرح میداد، متوجه شده است که صفحات آخر متن، رساله‌ای از غزالی میباشد و تصور کرده که این ترغیبات پر حرارت کار صائن‌الدین ترکه است.^{۴۷} اشتباه ریو بنحوی نشان دهنده هدفی است که نویسنده

۴۷- ریو این رساله را به صائن‌الدین ترکه نسبت میدهد باینکه نام وی نه‌تنها در این رساله بلکه در چهار رساله دیگر که در موزه بریتانیا یافت میشود برده نشده است. ولی چون این چهار رساله در ۱۶/۸۳۹ Add بازهم یافت میشود که در آنجا صائن‌الدین ترکه بعنوان نویسنده آنها نام برده شد، ریو اعتقاد دارد که «رساله اعتقاد» یا «رساله‌ای در اعتقاد» هم نوشته اوست. درستی این استنتاج حتمی است وقتی ریو توجه نکرد که نام صائن ترکه در رساله اعتقاد ms. Cité Fol. 135 b یافت میشود علاوه بر این رساله مزبور منابع اوتوبیوگرافیکی را که ریو تصور کرده پیدا کرده است در بر ندارد و موضوع مربوط است به غزالی و یکی از وزرای سلجوقی فخرالملک پسر نظام‌الملک و صائن‌الدین بروشنی این را بما می‌فهماند. متن ms. Add 23, 983 عوض شده است. مراجعه شود به متن جدید انتشار عباس اقبال بنام «مکتب فارسی غزالی» تهران ۱۳۳۳/۱۹۵۴ صفحه ۶ تا ۱۱ که در آن صاحب‌نامه بدرستی سنجر میباشد (ونه محمد ملکشا، فخرالملک وزیر محمد ملکشا نبوده است). اقبال صفحه ۴ پاورقی شماره ۲ نشان میدهد که این نامه بتاریخ ۵۰۳ میباشد.

«رساله دراعتقاد» داشته است .

یکی از عاملین مهم وقایع سال ۱۴۴۶ نوه صائین الدین یعنی افضل الدین ترکه بود. وی در ۱۳ رمضان سال ۸۵۰ مطابق با ۲۵ سپتامبر ۱۴۴۶ به تحریک گوهرشاد، همسر بانفوذ و پرقدرت شاه رخ، درحالیکه خاندان تیمور را نفرین میکرد بیکی از دروازه های ساوه بدار آویخته شد .

نقیب های حسینی اصفهان

